

بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO



به نام خدا
فارسی یازدهم
درس هجدهم: خوان عدل

1- شرق از.....دستان خداست

قلمرو زبانی:

شرق:نهاد از ان:سهم، برای غرب:نهاد سرزمین های شمال:نهاد و:حرف عطف جنوب:معطوف اسوده:قيد دستان خدا: متمم، ترکیب اضافی، ان جمع

قلمرو ادبی:

شرق، غرب، شمال و جنوب: مجاز از کل جهان واج ارایی: س دست: مجاز از قدرت شرق، غرب: تضاد شمال و جنوب: تضاد کنایه: در دستان خدا بودن، کنایه از تحت فرمان خدا بودن.

قلمرو فکری:

تمام هستی، تحت فرمان خدا هستند

2- اوست که.....امین.

قلمرو زبانی:

او: نهاد عادل مطلق: عادل کامل، مسند خوان عدل: سفره عدالت، مفعول همگان: متمم گسترده باشد: فعل ماضی التزامی، سوم شخص مفرد اسماء: جمع اسم همین نام: متمم، ترکیب و صفتی بستاییم: فعل مضارع التزامی اسمای صد گانه: ترکیب و صفتی، متمم

قلمرو ادبی:

مرا عات نظیر: خوان، گستردہ کنایہ: گستردن خوان عدل، کنایه از عدالت و رزین

امین: شبہ جملہ خوان عدل: اضافہ تشییھی

قلمرو فکری:

خداوند عادل بی قید و شرط است و سفره عدالت خود را برای همگان گستردہ است، نام‌های الهی بسیار است، اما او را با خاطر عادل بودن، بیش از صفات دیگر، ستایش می‌کنیم. امین.

3- اگر فکر و حواسم..... فرا رود.

قلمرو زبانی:

اگر: حرف ربط فکر: نهاد و: ح عطف حواسم: معطوف، -م: مضاف الیه این جهانی: مسند، ترکیب و صفتی، دنیوی و مادی بهره ای: نهاد والاتر: مسند، برتر بهرمن: متمم، ترکیب اضافی روح: مفعول خاک: نهاد غبارش: متمم، ش مضاف الیه نتواند: نمی تواند، فعل مضارع اخباری منفی هردم: هر لحظه، قید تلاش: متمم فرا: بالا، قید

قلمرو ادبی:

مرا عات نظیر: فکر و حواس تکرار: بهره مرا عات نظیر: خاک و غبار خاک: مجاز از جسم است و نیست: تضاد دم: مجاز از لحظه به غبار مبدل ساختن: کنایه از بی ارزش ساختن

قلمرو فکری:

اگر فکر مادی داشته باشی، بهره معنوی نخواهی برد.

(مفهوم: مادیّات، نمی توانند روح را بی ارزش سازند، زیرا روح، متعلق به عالم بالاست).

4- هر نفسی را.... رستن از رنج.

قلمرو زبانی:

هر نفسی را: برای هر نفسی، متمم دونعمت: نهاد، ترکیب و صفتی است: وجود دارد
دم: نفس، مفعول فرو دادن: پایین بردن و نفس کشیدن برآمدنش: بالا اوردن
ش: مضاف الیه ان یکی: نهاد، ترکیب و صفتی ممد: یاری رسان، مسند این یکی: نهاد
حیات: زندگانی، مضاف الیه مفرّح: شادی بخش، مسند ذات: وجود، مضاف الیه
است: حذف به قرینه لفظی چنین زیبا: قید، ترکیب و صفتی زندگی: نهاد درهم: متمم
تنیده است: فعل ماضی نقلی شکر خدا: مفعول کن: فعل امری بکن، انجام بده
هنگام رنج: متمم شکر او: مفعول رستن از رنج: مضاف الیه، رهایی از رنج

قلمرو ادبی:

فرو دادن و برآمدن: تضاد سمع: حیات و ذات تکرار: یکی و شکر، رنج
تنیدن درهم زندگی: استعاره مکنیه

قلمرو فکری:

در هر نفسی، دو نعمت وجود دارد، یکی فرو دادن نفس و دیگری بالا
آمدنش فرو دادنش یاری گر زندگی است و بالا آمدنش شادی بخش است. و
این چنین زیبا، زندگی پر از سختی ها و اسایش هاست. تو خدا را هنگام
سختی و به هنگام اسایش شکر کن.

5- بگزار بر..... اختران نبینم

قلمرو زبانی:

بگذار: فعل امری، اجازه بده پشت زین خود: متمم معتبر: دارای اعتبار، قید
 کلبه: متمم خیمه: معطوف، چادر بازیمان: فعل امری، باقی ماندن و: حرف عطف
 سرخوش: قید، خوشحال سرمست: معطوف، خوشحال دوردست ها: متمم، نقطه دور
 روم: بروم، مضارع التزامی فراز: بالا، متمم سرم: مضاف الیه هیچ: مفعول
 اختران: مفعول، ستارگان جز: قید استثنای

قلمرو ادبی:

زین: مجاز از اسب بر پشت زین ماندن: کنایه از سیرو سفر و در حرکت بودن
 خیمه: مجاز از خانه مراعات نظیر: کلبه، خانه هیچ... نبینم: کنایه از ارزشمند بودن

قلمرو فکری:

اجازه بده من در سفر باشم و تو در خانه ایت بگذار، شاداب تا دور ترین نقطه
 پرواز کنم و ازاد و رها باشم. (مفهوم: تمایل به ازادی و تعالی)

6- او اختران.... لذت اندوزیم.

قلمرو زبانی:

او: نهاد اختران: مفعول اسما: متمم نهاده: نهاده است، ماضی نقلی
 بر: خشکی، متمم بحر: دریا، معطوف نشانمان: برای ما، مان: متمم
 نشان: مسند، مدرک نگه: چشم، نگاه فرازها: متمم دوزیم: بدوزیم لذت: مفعول
 اندوزیم: بیندوزیم

قلمرو ادبی:

تضاد بَر و بَحْر مراعات نظير: اسمان و بَر و بَحْر بَر و بَحْر: مجاز از کل هستی

نگاه دوختن: کنایه از خیره شدن

تلمیح دارد به تاثیر ستارگان در تشخیص جهات جغرافیایی و ایه 79، س انعام.

(هوالذى جعل لكم النجوم لتهدوا بها فى الظلمات البر و البحر)

قلمرو فکری:

خداؤند ستارگان را در اسمان، به عنوان نشانه ای قرار داده تا نگاه همان به عالم بالا باشد و از این مسیر معنوی لذت ببریم.

دیوان غربی - شرقی ، یوهان ولفگانگ گوته

کارگاه متن پژوهی:

قلمرو زبانی:

1- پاسخ سوال اول:

بند سوم : لحظه بند چهارم : نفس

2- پاسخ سوال دوم:

*همین نام : هسته : نام ، وابسته پیشین : همین ، صفت اشاره

*اسما ی صدگانه اش هسته : اسما صد گانه : وابسته پسین صفت نسبی ، ش :

وابسته پسین ، مضاف الیه

3- پاسخ سوال سوم:

بن ماضی : رست بن مضارع : زه

4- پاسخ سوال چهارم:

مضارع اخباری (است / نتواند «نمی تواند») (ماضی نقلی (تنیده است / گستردہ «
گستردہ است») (مضارع التزامی (بستاییم / روم «بروم»)

قلمرو ادبی:

1-پاسخ سوال اول:

بند چهارم

2-پاسخ سوال دوم:

مفهوم	نمونه	ارایه ادبی
جسم / کل وجود	خاک / فکر و حواس	مجاز
در حرکت بودن	بر پشت زین ماندن	کنایه

قلمرو فکری:

1-پاسخ سوال اول:

مالک / قادر / علیم / حافظ / ناظر

2-پاسخ سوال دوم:

الف) بند ششم

ب) زرقیب دیو سیرت به خدای خود پناهم

مگر آن شهاب ثاقب مددی دهد خدا

● ثاقب : روشن

در آسمان نه عجب گر به گفته حافظ سرود زُهره به رقص آورد مسیحا را

3-پاسخ سوال سوم:

و تو شکر خدا کن ، به هنگام رنج / و شکر او کن ، به وقت رستن از رنج .
شکر گزاری در همه حال

4-پاسخ سوال چهارم:

کشور سبز آرزوها :تشبیه / چشم موج و زلال نوازش ها :تشبیه / آرزو و امید :تناسب



بروزترین و ابرترین
سایت کنکوری کشور

WWW.KONKUR.INFO

